

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۹۸

صفحات: ۱۶-۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۶/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

## زن آرمانی و اثیری در منظومه عاشقانه هشت بهشت امیر خسرو

آسیه ذبیح نیا عمران\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت زنان در منظومه عاشقانه هشت بهشت امیر خسرو دهلوی است. مثنوی هشت بهشت به جنبه‌های متعدد آرمان شهر زنان اشارات فراوانی می‌کند. روش تحقیق در این مقاله موردی - زمینه‌ای با رویکرد همبستگی است و کوشش شده تا با استفاده از روش تحلیل محتوا معیارهای زن خوب را از دیدگاه این شخصیت مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. طرح جایگاه زن در خانواده و اجتماع و ارائه راهکار کاربردی در این زمینه یکی از مضامین اساسی امیر خسرو در ارائه مدینه فاضله در شهر آرمانی هشت بهشت است. رسیدن به جامعه آرمانی که او در نظر داشته با معیارهای جامعه زمانه او بیشتر هماهنگ و مرتبط است. درون‌مایه داستان هشت بهشت پیمان‌شکنی زنان و تظاهر آنان به ستر و صلاح است. او در این منظومه عاشقانه هر جا که شرایط را مناسب دیده است، در خلال داستان‌های پراز نشاط، دستاویزی برای تعلیم و موعظه به «زن» یافته، اذعان کرده است. مطابق نتایج تحقیق، تعهد و وفاداری زن برای زندگی بهتر و به دست آوردن آرامش واقعی دنیا و آخرت ضروری است.

کلید واژگان: زن آرمانی، هشت بهشت، امیر خسرو.

---

\* دانشیار گروه ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، یزد، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: [Asieh.zabihnia@gmail.com](mailto:Asieh.zabihnia@gmail.com))

## مقدمه

امیر خسرو دهلوی (۶۵۱ - ۷۲۵)، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در دو ادبیات عظیم مشرق، یعنی فارسی و هندی محسوب می‌شود. (اخگر حیدر آبادی، ۱۳۸۵: ۱۴۱). امیر خسرو به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و سانسکریت چیرگی داشت و به سعدی هند معروف بود. «وی یکی از پرکارترین شاعران پارسی‌گوی است.» (صفا، ۱۳۷۳: ۷۸۰). داستان‌های عاشقانه فارسی دارای شکوه و عظمتی خاص هستند. این گونه داستان‌ها تنها بیان یک ماجرای عاشقانه نیستند، بلکه داستان دستاویزی برای طرح عواطف انسانی، مسائل اخلاقی و حکمی و در نهایت ایجاد روح التذاذ ادبی است. زن در این نوع داستان‌ها، هدفی عالی‌تر را دنبال می‌کند و نتایج اخلاقی بزرگی را برای مردم به ارمغان می‌آورد. البته قابل ذکر است که تاکنون «زن در جامعه» در منظومه عاشقانه هشت بهشت امیر خسرو بررسی نشده، اما برخی از آثاری که درباره شعر او منتشر شده به ترتیب سال نشر شرح زیر است؛

نفیسی، در سال ۱۳۰۸، مقاله‌ای را با عنوان «امیر خسرو دهلوی» در مجله ارمغان منتشر ساختند. مقاله مذکور به طور مختصر به زندگی امیر خسرو پرداخته است.

خلیل، در سال ۱۳۲۳، مقاله‌ای را با عنوان «امیر خسرو بلخی مشهور به دهلوی» در مجله آریانا چاپ کرده که هدف مقاله حاضر معرفی امیر خسرو و بررسی نسب نامه این شاعر شهیر است.

معین، در سال ۱۳۳۱، مقاله‌ای را با عنوان «امیر خسرو دهلوی» در مجله تحقیقات تاریخی منتشر ساختند. معین (۱۳۳۱) در این مقاله، به ارائه و نقل زندگی امیر خسرو به طور مجمل پرداختند.

زرین کوب، در سال ۱۳۵۴، مقاله‌ای را با عنوان «امیر خسرو دهلوی» در مجله تحقیقات ادبیات و زبان‌ها منتشر ساختند. مقاله حاضر نیز به معرفی زندگی امیر خسرو بسنده می‌کند.

محبوب در سال ۱۳۵۷، مقاله‌ای را تحت عنوان «هشت بهشت و هفت پیکر» در نشریه ایران نامه چاپ کردند. او در مقاله مذکور، ضمن بررسی هفت پیکر نظامی و برتری‌های این منظومه برهشت بهشت امیر خسرو می‌کوشد تا تفضیل داستان‌سرایی نظامی گنجه‌ای را برهشت بهشت به اثبات برساند.

مجتبایی در سال ۱۳۶۴ مقاله‌ای را با عنوان «حافظ و خسرو» در مجله آینده چاپ کردند. مقاله مذکور به بررسی همسانی اشعار حافظ و امیر خسرو دهلوی می‌پردازد.

ریاض در سال ۱۳۶۶ مقاله‌ای را با عنوان «دبیاچه دواوین امیر خسرو دهلوی» در مجله دانش اسلام آباد منتشر ساختند. مقاله حاضر با کمی نگاه منتقدانه به مقدمه‌های دیوان امیر خسرو که تاکنون منتشر شده، پرداخته است.

یدی و وفایی در سال ۱۳۹۲، مقاله‌ای را با عنوان «ریخت‌شناسی و عناصر زینتی اشعار امیر خسرو دهلوی» در مجله زیبایی‌شناسی ادبی منتشر ساختند. در این مقاله آثار امیر خسرو از نظر شکل و ظاهر و ویژگی اشعار او با نگاهی به آرایه‌های ادبی بررسی شده است.

ناصر و یزدانی در سال ۱۳۹۲، مقاله‌ای را با عنوان «حکایات تعلیمی و کارکردهای آن در مطلع الانوار امیر خسرو» در نشریه ادبیات تعلیمی دهقان منتشر ساختند. هر چند که در مثنوی مطلع الانوار، تعالیم اخلاقی بی‌شماری به چشم می‌خورد تا جایی که کل این اثر به عنوان مجموعه‌ای تعلیمی در نظر گرفته می‌شود.

بهر روز، در سال ۱۳۹۳، در مقاله‌ای با عنوان «پدیدارشناسی غنا در اشعار نظامی و امیر خسرو» که در مجله فنون ادبی چاپ شد به بررسی موردی مضامین عاشقانه در لیلی و مجنون نظامی و مجنون و لیلی امیر خسرو پرداخت.

یاری و سلیمانیان، در سال ۱۳۹۵، مقاله‌ای را عنوان «جایگاه امیرخسرو در تاریخ‌نگاری هند» در پژوهش‌نامه تاریخ اسلام منتشر ساختند.

یلمه‌ها و ذبیح نیا عمران در سال ۱۳۹۷، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مضامین تعلیمی در منظومه عاشقانه هشت بهشت امیرخسرو دهلوی» که در پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی دهاقان چاپ شده بررسی مضامین تعلیمی و انگیزه کاربرد آن در هشت بهشت پرداختند.

همان‌گونه که از عناوین مقالات فوق پیداست اغلب آن‌ها به شرح زندگی امیرخسرو و معرفی وی پرداختند و کم‌تر اشعار او تحلیل شده، لذا ضرورت دارد تا اشعار او از دیدگاه مباحث اجتماعی یا سایر مباحث موردبررسی قرار گیرد.

حال بر اساس مطالب فوق هدف پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین نقش و کارکردی که امیرخسرو از زن در جامعه ارائه می‌دهد، بیان شود.

### روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. در بخش توصیفی، در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های اسنادی (فیش‌برداری به صورت توصیفی) و پیمایشی (استفاده از نظریات امیرخسرو دهلوی) استفاده شده است. هم‌چنین مقاله حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش «تحلیل محتوا» معیارهای زن آرمانی را از دیدگاه این شخصیت مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. قلمرو تحقیق حاضر تمامی متن هشت بهشت را در برمی‌گیرد. هم‌چنین شاخصه‌های زن آرمانی و کامل به صورت گزینشی استخراج و تدوین شده‌اند.

### روش اجرا

در انجام پژوهش حاضر، در بخش توصیفی، اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای بدست آمده است. در بخش تحلیل نیز با استفاده از بیانات مکتوب جهت آشکار ساختن اهمیت مفهوم زن آرمانی در هشت بهشت امیرخسرو دهلوی، به عنوان نمونه موردی، مورد دقت قرار گرفته است.

### یافته‌ها

امیر خسرو منظومه هشت بهشت را به سال ۷۰۱ ه. ق. در ۳۳۵۲ بیت سرود... مضمون این مثنوی، در موضوع عشق بهرام گور با دلارام است.

به روایت امیرخسرو بهرام کنیزی چینی به نام دلارام دارد که در روز شکار همراه اوست. روزی در شکارگاه دسته‌ای آهو پدیدار می‌شود. دلارام از بهرام می‌خواهد چنان تیر بر آهوان زند که نه ماده و ماده نر شود و شاه بی‌درنگ چنین می‌کند. دلارام این شیرین کاری بهرام را جادویی می‌داند نه هنرمندی. بهرام خشمگین، دلارام را در بیابانی بی‌آب و علف تنها می‌گذارد. دلارام افتان و خیزان به کشتزاری می‌رسد که خانه‌ی دهقانی هنرمند، موسیقی‌دان و گوشه‌گیر است و دلارام نیز با آموزش موسیقی از دهقان چنان می‌کند که در شکار، آهوان رام او شده و بانوای او به خواب می‌روند. آوازه هنرمندی او در آفاق می‌پیچد و به گوش بهرام می‌رسد و... امیرخسرو نام دختر را دلارام برگزیده است؛ زیرا باعث آرامش دل‌ها است.

قسمت دوّم کتاب هشت بهشت، داستان هفت گنبد است. علت ساخته شدن قصر، باز داشتن بهرام از شکار و صحراگردی است که تزلزل امور کشوری را به دنبال دارد؛ پس هفت گنبد می‌سازند تا توجه بهرام را به زیارویان آنجا معطوف دارند و اتفاقاً این چاره‌اندیشی کارگر می‌افتد. در روایت امیر خسرو روز شنبه در بهشت دوّم، گنبد مشکین، غزاله هندی داستان سه شاهزاده را که برای تجربه سفر می‌کنند، بیان می‌کند و جریان ساربان‌بانی که شتر گم کرده است به میان می‌آید. او روز یکشنبه را در بهشت سوّم و گنبد زعفرانی می‌گذراند، و به داستان حسن زرگر گوش می‌سپارد. بهرام، روز دوشنبه در بهشت چهارم، در گنبد ریحانی به سر می‌برد، و ماهروی گنبد سبزرنگ، داستان مسافر هندی را برایش تعریف می‌کند که قادر به نقل روح از کالبدی به کالبد دیگر است. او روز سه‌شنبه را با گلغذار تاتاری و در بهشت پنجم است، و به داستان پنج دوست هنرمند را که باهم هم‌سفر می‌شوند گوش می‌کند. پنجمین داستان را دختر اقلیم چهارم در روز سه‌شنبه و در گنبد سرخ نقل می‌کند که افسانه دختر شاه رومی و شاهزاده نیکام است. روز چهارشنبه در بهشت ششم و گنبد بنفشه‌ای، نوبت آهوی رومی است تا داستان پسر بازرگانی را که به جهانگردی علاقه‌مند است تعریف کند. داستان ششم (بهشت هفتم) را در گنبد صندلی و معشوق صندلی اندام، بیان می‌کند. در روایت امیر خسرو آخرین داستان هشت بهشت را روز جمعه، در بهشت هشتم و گنبد کافوری، زیاروی خوارزمی نقل می‌کند. پایان هشت بهشت نیز مرگ بهرام است با این تفاوت که به جای غیب در غار، در چاهی ژرف فرو می‌رود. (امیر خسرو دهلوی، ۱۳۹۰: تلخیص از کل کتاب)

### زن آرمانی و اثیری در خمسة غنائی هشت بهشت امیر خسرو

#### لزوم احترام به زن در خانواده

امیر خسرو در آغاز منظومه هشت بهشت تلاش دارد تا داشتن فرزند «دختر» را در فضای هندوستان توجیه کند. وی با چند مقدمه و به روش استقرایی می‌کوشد تا مخاطب را قانع و مجاب سازد. او در حالی دخترش «عقیقه» را می‌ستاید که در هند، زنان و دختران اغلب مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. حتی در حال حاضر نیز در برخی مناطق هند، خانواده‌ها از نگرانی جهیزیه، نهانی بعد از تولد، دختر را زنده به گور می‌کنند. امیر خسرو می‌گوید خرسند و شاکر است که دختر دارد و استدلال زیبایی در مدح دختر دارد:

لیک چون داده خدایی راست	با خدادادگان ستیزه خطاست
من پذیرفتم آنچه یزدان داد	کآنچه او داد باز نتوان داد
شکر گویم به هر چه از در اوست	کان دهد بنده را که درخور اوست
هر چه او داد بس پسندیده است	هم ز اول صلاح آن دیده است
پدرم هم ز مادر است آخر	مادرم نیز دختر است آخر

(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۵۸۹)

همان گونه که در ابیات فوق مشهود است، امیر خسرو با این استدلال که پدران ما از «زنی» متولد شده‌اند و مادر همه ما روزی «زنی» بوده‌اند، می‌کوشد تا با این دلایل، لزوم رعایت احترام به زن را در فضای خانواده تبیین سازد.

### باز نکردن در خانه بر روی غریبه‌ها

امیرخسرو به دخترش تذکر می‌دهد که هرگز «در» خانه خویش را بر روی هیچ مرد غریبه‌ای باز نکند هرچند که کوبنده در حضرت خضر نبی باشد:

راه در گم کن از درون سرای  
ور مثل خضر در زند مگشای  
(امیرخسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۵۸۹)

### بستن پنجره بر روی خود

زن باید از هیچ پنجره و دریچه و روزنی به بیرون سرک نکشد:

کبک پنهان خرام را به وطن  
حجره باید چو بیضه بی روزن  
زن که در روزنش شتاب بود  
بجهد گرچه آفتاب بود  
روزن ار خود چو چشم سوزن توست  
دان که راه برون شد تن توست  
ور تماشای روزنت هوس است  
روزن چشم سوزن تو بس است  
(امیرخسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۵۹۰)

### محافظت از اموال همسر

زن باید در حفظ اموال شوهر بکوشد و از مال شوهرش دزدی نکند:

از عروسان خزینه‌داری به  
راست گویی و راست کاری به  
خازنی کو به دزدی آرد روی  
دزد گویش خزینه‌دار مگوی  
مرد اگر یک قراضه کار کند  
زن به کدبانویی هزار کند  
چون ز شو خرج زن فزون باشد  
حال سامان خانه چون باشد  
(امیرخسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۵۹۱)

### ترک معاشرت با مردم

زن باید گوشه‌نشین باشد و همواره پشت بر در خانه و روی به دیوار باشد:

پا به دامان عافیت در کن  
رو به دیوار و پشت بر در کن...  
گوشه‌گیران ستوده نام بوند  
کوچه گردان فراخ کام بوند  
زن که در کوچه‌ها به تک باشد  
زن نباشد که ماده‌سگ باشد  
(امیرخسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۵۹۰)

در هیچ مهمانی و جشن شرکت نکند، زیرا بانگ مطربان و نوازندگان فتنه گر است:

تلخ گویندت از چه نوش لبان  
تا نگیری ترنم جَلَبان  
دشمن بی‌هراس دشمن و دوست  
فتنه را بانگ می‌کند در پوست  
آنک اول سرود ساده بود  
در نهایت صلاهی باده بود  
(امیرخسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۵۹۰)

## لزوم وفای به عهد به شوهر

زن باید با شوهرش با وفا باشد:

ذات بی جفت بایدت بنهفت  
 به وفا با حلال یاری کن  
 با همه طاق باش جز با جفت  
 نعمتش را حلال خواری کن  
 (امیر خسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۵۹۰)

«وفا» از جمله مضامینی است که امیر خسرو بر آن اصرار دارد. او در منظومه شیرین و خسرو می گوید در وفاداری باید از زنان هندو آموخت که با مرگ شوهر، در آتش سوزانده می شوند:

نی کم زان زن هندو در این کو  
 که خود را زنده سوزد از پی شو  
 (امیر خسرو دهلوی، ۱۹۶۶: ۳۲)

امیر خسرو در داستان بهشت هفتم، لزوم وفای به عهد را یادآوری می کند. درون مایه داستان بهشت هفتم، حيله گری زنان، نقض عهد و زشت کرداری است:

مرد کردار خوب را سبب است  
 خوب کرداری از زنان عجب است  
 (امیر خسرو دهلوی، ۱۹۱۸: ۱۴۶)

وفا در لغت به معنای به جا آوردن عهد و پیمان، نگهداری عهد و پیمان (نفیسی، ۱۳۴۳: ذیل واژه) و پایداری در دوستی آمده است. (عمید، ۱۳۷۱: ذیل واژه). در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نداشتن وفای به عهد با نداشتن دین یکی دانسته شده: «کسی که وفای به عهد نکند، دین ندارد.» (راشدی و راشد، ۱۳۸۶: ۵۳۰).

## تأکید بر رازداری و زبان افشای سرّ

امیر خسرو، در بهشت سوم، داستان حسن زرگر را نقل می کند که محور عمده داستان پرهیز از رازگویی با زنان است. در آغاز داستان، زن تلاش دارد تا با وسوسه مرد را به افشای سرّ تحریض کند:

زن بدو گفت کآنچه از دل خویش  
 بازپوشی زخلق حاصل خویش ...  
 لیک احوال خود به خاموشی  
 با که گویی اگر زمن پوشی ...  
 خواجه کورا زبون فرمان بود  
 راز پوشیدنش نه آسان بود ...  
 زن وثیقت نمود و پیمان بست  
 که نیارد به قفل راز شکست ...  
 (امیر خسرو دهلوی، ۱۹۷۲: ۴۲۸)

همان گونه که از ابیات بالا پیداست امیر خسرو بر رازداری تأکید دارد. البته در داستان حسن زرگر، او با برملا کردن راز خود بر «زن» گرفتار بلای فراوان می شود که قابل جبران نیست. علاوه بر امیر خسرو در متون نظم و نثر فارسی و روایات دینی بر رازداری سفارش فراوان شده است:

راز که خواهی نشود آشکار لب بگز و باز مگو زینهار  
(وحشی بافقی، به کوشش نخعی، ۱۳۶۶: ۴۱۱)

رازداری پیامدهای فراوانی دارد، پیامبر(ص) در این زمینه می‌فرماید: «استعینوا علی انجاح الحوائج بالکتمان». با پوشیدن راز به برآورده شدنش یاری کنید. (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۱۰۵) در نهج البلاغه آمده است: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ». (امام علی (ع)، ترجمه شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۶۲). کسی که راز خویش را حفظ کند اختیار خود را در دست دارد. سعدی می‌گوید:

منه درمیان راز با هر کسی که جاسوس هم کاسه دیدم بسی  
(سعدی، به کوشش یوسفی، ۱۳۷۲: ۷۸)

دهلوی، در بهشت چهارم، داستان مسافر هندی را تعریف می‌کند که زمینه اصلی داستان، زیان افشای راز است. رازداری و افشاء نکردن اسرار از موضوعات اخلاقی موردعلاقه امیر خسرو در منظومه هشت بهشت است. امیر خسرو افشاء راز را هم چون رها کردن تیر از کمان می‌داند که هرگز به کمان بر نمی‌گردد، پس باید در نگه‌داری آن مراقبت و محافظت کرد.

چون خود از دل برون فکندی راز تیر کز شست رفت ناید باز  
(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۶۵۹)

افشاء در لغت یعنی فاش کردن، آشکار کردن و پراکنده ساختن است. (معین، ۱۳۷۵: ذیل واژه) و راز در لغت به معنای سرّ، مطلب پوشیده و پنهان، مطلب نهفته در دل و آن چه که باید پنهان داشت. به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۶۳: ذیل واژه) در حدیثی از امام علی (ع) آمده که: «آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست». (امام علی (ع)، ترجمه دشتی، ۱۳۸۲: ۶۶۵).  
- امیر خسرو در آخرین روایت هشت بهشت، بی‌وفایی و فریب را از خلق و خوی زنان می‌داند:

... خوی آن پادشاه بود چنان که ندارد فریبشان پایان  
خوانده بود از کتاب دانایان در دل سختشان وفا نیسود  
کز عروسان کشیده داشت عنان  
(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۶۲: ۶۸۲)

او در داستان فوق، ماجرای سلطانی را بیان می‌کند که چهار زن زیبا را در چهار سرای جداگانه منزل می‌دهد. سه تای این زنان بی‌وفا و عهدشکن هستند، اما در ظاهر امر، تظاهر به پارسایی می‌کنند. درون‌مایه داستان پیمان‌شکنی زنان و تظاهر آنان به ستر و صلاح است. (بدتر از همه آن است که قهرمان زن داستان امیر خسرو بدعهدی را قبول ندارد):

هر کسی را به کار خویش هس است      کس نگوید که دوغ من ترش است  
(امیر خسرو دهلوی، ۱۸۷۳: ۳۲۶)

#### در ستایش مستوری، عفت و ...

امیر خسرو در منظومه هشت بهشت، در ۷۵ بیت، زبان به نصیحت دختر خود «عقیفه» می‌گشاید و او را به پاکی و تقوا دعوت می‌کند. او با بهره‌گیری از نام دخترش «عقیفه»، اهمیت عفت و پاک‌دامنی را به وی یادآور می‌شود.

ای ز عفت فکنده برقع نور      هم عقیفه به نام و هم مستور...  
(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

از عروسی شوی چو درخور تخت      عصمت خواهم اول آنکه تخت  
(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۹۰: ۵۸۹)

#### عابد بودن

او به دخترش تذکر می‌دهد که همواره خداپرست و عابد باشد:

از منت آنچه اولین پند است      جهد بر طاعت خداوند است  
تا توانی خداپرستی کن      وز نیاز خدای مستی کن  
باش همچو دیده عزت و تاب      باش چون چشم خویش در محراب  
(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۹۰: ۵۸۹)

#### در پی نیک‌نامی بودن

زن باید همیشه به دنبال طلب نیک‌نامی و پارسایی باشد:

نیک‌نامی طلب کنی در پوست      پارسا باش و پارسایی دوست  
(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۹۰: ۵۸۹)

#### بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی تحلیلی شخصیت زن در منظومه عاشقانه هشت بهشت می‌توان به اهمیت نقش زن در سرتاسر حیات طبیعی انسان‌ها پی برد. در این اثر، زن در شخصیت‌های گوناگون ظاهر می‌شود او گاهی کانون پرورش ارزش‌های والای انسانی چون تربیت، عفت، عطف، رحمت، عشق و محبت و ده‌ها خصلت دیگر است. فرمان‌برداری و اطاعت همیشه در شعر عاشقانه جزو صفات پسندیده و بارز یک زن خوب و نیک به حساب می‌آید. هم‌چنین امیر خسرو بهترین زنان را زنی می‌داند که شوهران خود را خشنود کنند. یکی از مظاهر خردمندی زنانه که در هشت بهشت به اشکال گوناگون مطرح شده، آن است که وقتی زنان با درخواست مردان جهت کامیابی با آن‌ها مواجه می‌شوند. با به کار بستن تدبیر و خردمندی زنانه جهت حفظ عفت خویشتن و تأمین مصالح به گونه‌ای شایسته و با پختگی و تدبیر و عزت از آن بیرون می‌آیند.



در منظومه عاشقانه هشت بهشت امیر خسرو دهلوی، سروده‌ها و ابیات فراوانی را می‌توان یافت که به زنان تخصیص داده‌شد. مضامین تعلیمی که او در منظومه عاشقانه خویش برای زنان عرضه می‌دارد (چه عملی و چه نظری) را برای خواننده تشریح می‌کند، یا مسائل اخلاقی، مذهبی، فلسفی و... را به شکل ادبی و زبان شعر بیان می‌دارد، تمامی قابلیت کاربردی دارند و برای همه زنان در تمامی ادوار قابل تطبیق هستند. به علاوه به نظر می‌رسد که امیر خسرو توجه زنان به اخلاقیات را باعث تهذیب روابط انسانی نسبت به خود، انسان‌های دیگر و خداوند می‌داند؛ زیرا یکی از دغدغه‌های زن عالم و فرهیخته، تلاش برای نزدیک شدن به پایگاه و جایگاه انسان‌های والا است که تحت عنوان «انسان کامل» از آن یاد می‌شود. مهم‌ترین توصیه اخلاقی امیر خسرو در هشت بهشت به زنان، رازداری است. وی هم‌چنین زنان را از رذیله اخلاقی بی‌وفایی و عهدشکنی بر حذر می‌دارد.

#### منابع

- اخگر حیدر آبادی، میرزاقاسم علی. (۱۳۸۵). مجموعه رسایل عرفانی. تهران: دانشگاه تهران.
- امام علی بن ابی طالب (ع). نهج البلاغه. ترجمه سیدجعفر شهیدی. (۱۳۸۶). تهران: علمی و فرهنگی.
- امام علی بن ابی طالب (ع). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. (۱۳۸۲). قم: قدس.
- امیر خسرو دهلوی، ابوالحسن. (۱۳۶۲). خمسه. تصحیح امیر احمد اشرفی، تهران: شقایق.
- امیر خسرو دهلوی، ابوالحسن. (۱۳۹۰). هشت بهشت. تصحیح حسن ذوالفقاری، پرویز ارسطو، تهران: نشر چشمه.
- امیر خسرو دهلوی، ابوالحسن. (۱۸۷۳). هشت بهشت. هندوستان: لکنهو.
- امیر خسرو دهلوی، ابوالحسن. (۱۹۱۸). هشت بهشت. هندوستان: علیگره.
- امیر خسرو دهلوی، ابوالحسن. (۱۹۷۲). هشت بهشت. تصحیح جعفر افتخار، مسکو: چاپ مسکو.
- امیر خسرو دهلوی، ابوالحسن. (۱۹۶۶). شیرین و خسرو. مسکو: انستیتوی ملل آسیا.
- بهروز، سیده زیبا. (۱۳۹۳). پدیدارشناسی غنا در اشعار نظامی و امیر خسرو (با تکیه بر منظومه لیلی و معجون). فنون ادبی، ۱(۶): ۱۴۳-۱۵۶.
- خلیل، محمد ابراهیم. (۱۳۲۳). امیر خسرو بلخی مشهور به دهلوی. مجله آریانا، ۱۹، ۸-۲۹.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۳). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- راشدی، لطیف، راشدی، سعید. (۱۳۸۶). نهج الفصاحه. قم: ام‌اینها.
- ریاض، محمد. (۱۳۶۶). دیباچه دواوین امیر خسرو دهلوی. اسلام آباد: مجله دانش.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۴). امیر خسرو دهلوی. مجله تحقیقات ادبیات و زبان‌ها، ۴، ۵۲-۳۸.
- سعدی، مصلح الدین بوستان. به کوشش غلامحسین یوسفی. (۱۳۷۲). تهران: خوارزمی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- عمید، حسن. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۵). احادیث و قصص مثنوی. ترجمه حسین داودی، تهران: امیر کبیر.
- مجتبابی، فتح‌الله. (۱۳۶۴). حافظ و خسرو. مجله آینده، ۱۱(۳-۱): ۴۹-۶۹.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۵۷). هشت بهشت و هفت بیکر. مجله ایران‌نامه، ۱: ۳۴۶-۳۸۷.

- معین، محمد. (۱۳۳۱). امیر خسرو دهلوی. مجله تحقیقات تاریخی، ۸۷-۸۳.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
- ناصح، مهدی، یزدانی، سوسن. (۱۳۹۲). حکایات تعلیمی و کارکردهای آن در مطلع الانوار امیر خسرو. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۵(۱۷): ۲۵-۵.
- نفیسی، سعید. (۱۳۰۸). امیر خسرو دهلوی. مجله ارمغان، ۹۸: ۵۷۴-۵۷۰.
- نفیسی، علی اکبر. (۱۳۴۳). فرهنگ ناظم الاطباء. تهران: انتشارات خیام.
- وحشی بافقی، کمال الدین. دیوان. به همت حسین نخعی. (۱۳۶۶). چاپ هفتم. تهران: سپهر.
- یاری، سیاوش، سلیمانان، مسلم. (۱۳۹۵). جایگاه امیر خسرو در تاریخ نگاری هند. پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۶(۲۲): ۱۵۲-۱۲۵.
- یدی، نرگس، وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۲). ریخت شناسی و عناصر زینتی عرفانی اشعار امیر خسرو دهلوی. مجله زیبایی شناسی ادبی، ۵(۱۸): ۳۷-۲۳.
- یلمه‌ها، احمدرضا، ذبیح نیا عمران، آسیه. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل مضامین تعلیمی در منظومه عاشقانه هشت بهشت امیر خسرو دهلوی. پژوهش نامه ادبیات تعلیمی دهقان، ۱۰(۳۷): ۹۹-۱۲۶.



**Ethereal and Ideal Woman in Amir Khusrow's  
Romantic Poem of Hasht-Bihisht**

A. Zabih Nia Emran\*

**Abstract**

The purpose of the present research was to review the status of women in the versified love story of Amir Khosrow Dehlavi "Hasht Behesht". The "Hasht Behesht" Masnavi frequently pointed to different aspects of women's utopia. The research was a case-based with a correlation approach. The "content analysis" method was implemented to analyze and evaluate the ideal female criteria from the above mentioned poet point of view. The discussion of women's position in the family and community and the suggestion of a practical approach in this regard was one of the main themes of Amir Khosrow's introducing of utopia in the "Hasht Behesht" ideated town. Achieving an ideal society that he considered was more coherent and accorded to the standards of his era society. The main theme of the "Hasht Behesht" stories was the women infidelity and their pretention to honesty and goodness. In this romantic episodes, wherever the writer recognized and during the tales of joy in the proper part of the story plot he pretexted for teaching and preaching to the "woman." According to research results, women's commitment and loyalty were needed for a better life and for obtaining the true peace of the material world and the Hereafter.

**Keywords:** ideal woman, "Hasht Behesht", Amir Khosraw

---

\* Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Payame Noor University of Yazd, Iran.  
(corresponding author, email: Asiehzabihnia@gmail.com)